

■ امنیت اقتصادی و رفتار معکوس «بوروکرات‌ها»

دکتر اکبر کرباسیان

«امنیت اقتصادی» مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش، فعالیت و امید به آینده می‌شود و از پرتو آن، سرمایه‌های سرگردان به سوی تولید و تجارت در کشور سوق می‌یابند و جهش عظیم و پایدار، در سطح تولید، اشتغال، درآمد و ثروت جامعه حاصل می‌آید. به عکس، نبود امنیت اقتصادی، انگیزه برای هم‌رگونه فعالیت سازنده را از میان می‌برد و اقتصاد کشور را ضمن مواجه ساختن با زیانهای جبران‌ناپذیر، تنها با زور و تهدید، لنگان‌لنگان و کشان‌کشان، به جلو می‌راند.

گزارش ویژه

است، ولی، مؤید کارایی و متضمن دوام و کیفیت و رضایت خاطر مردم و ثبات اقتصادی نیست. اگر ساختار اقتصادی کشور بر اساس مالکیت، مدیریت و تصدی دولت - به شیوه فعلی - باقی بماند و سیاستهای لازم در جهت انتقال دارایی‌های دولتی به مردم، تقویت بخش خصوصی و ایجاد زمینه برای رقابتهای سالم سریعاً پیاده نشود، تضعیف کل نظام حتمی خواهد بود. زیرا، تنها اصلاحات اقتصادی صحیح و مبتنی بر تأمین امنیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مطلوب است که می‌تواند جامعه کنونی ما را از خطرهایی که تهدیدش می‌کند، نجات دهد.

امنیت اقتصادی و قوانین و ضوابط
اصولاً هرگونه ثبات سیاسی و قضایی بر امنیت اقتصادی و پیشرفت مادی کشور اثر مثبت می‌گذارد. ثبات سیاسی نیز بنای کلیه فعالیت‌های اقتصادی است و نبود آن، کشورمان را به کشوری مصرفی، وارداتی و تجاری تبدیل می‌کند.

امنیت قضایی - که با وضع قوانین سنجیده و جامع آغاز شود و خیر و صلاح کل جامعه و ملت را در زمان حال و آینده مدنظر قرار دهد - روح سازندگی و فعالیت، تولید، کسب و کار و درآمد مشروع را در کالبد مردم می‌دمد و سبب ارتقای کیفیت، امنیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود. تجدید نظرهای زود به زود در قوانین،

ناامنی اقتصادی و کاهش قدرت خرید
نتیجه نبود امنیت اقتصادی با کیفیت مطلوب و در حد لازم و کافی، عموماً در افول شاخصهای کلان اقتصادی سرانه ثبت می‌شوند، این وضعی است که در حال حاضر کشورمان با آن مواجه است و متأسفانه مجموعه شرایط و عوامل به وجود آورنده ناامنی اقتصادی، مدتی است که در بطن جامعه به طور گسترده‌ای رسوخ کرده است. برای نمونه، در شرایطی که طی سالهای اخیر کارکنان دولت بخش قابل توجهی از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و یا نیروی کار صنعتی کشور، با وجود بهره‌وری ثبت شده سالانه، از درصد عمده‌ای از قدرت خرید دستمزدهای خود محروم شده است و نیز صاحبان پس‌اندازهای جزئی که به لحاظ وجود تورم نسبتاً شدید ناشی از کسر بودجه دولت، با دریافت بهره‌های غیرواقعی و عمدتاً منفی از سیستم بانکی دولتی مواجه شده‌اند و عملاً، نسبت به خودداری از مصرف، پاداشی دریافت نکرده‌اند، همچنین کارمند، کارگر و سرمایه‌گذار جزء، همگی با ناامنی اقتصادی مواجه شده‌اند و هستند. و این ناامنی هرگونه انگیزه برای بهتر و بیشتر کارکردن را از آنان سلب کرده و میل به پس‌انداز بیشتر و در نتیجه، ارتقای سطح پس‌انداز ملی را در مردم از میان برده است. البته تولید ملی بدون شرکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ممکن

مقررات و بخشنامه‌های دولتی، گویای تهیه و تدوین عجولانه آنها است که ضمن ایجاد سردرگمی در مردم، بی‌اعتمادی مردم به مدیریت دولتی را دامن می‌زند. این حق طبیعی مردم است که در هر زمان تکلیف خود را بدانند و در برابر رفتار و تصمیم‌های دولتمردان و سیاستگذاران، غافلگیر نشوند.

مردم مایلند که بخشی از خطرپذیری (ریسک RISK) در فعالیتهای خود را که ناشی از مقررات و بخشنامه‌های این‌الوقت دولتی است، به حداقل برسانند و ضرر و زیان خود را در حد معقول نگهدارند. با حذف دخالت‌های غیرضروری و بی‌مورد دولت در امور مردم و انجام بررسی‌های جامع قبل از سیاستگذاریها، امکان آن وجود دارد که امنیت اقتصادی بهتری، با کیفیت و ضریب اطمینان بالاتر، برای مردم تأمین شود.

تضاد قوانین و موضوع «مرور زمان»

گاهی قوانین گوناگون با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند و سردرگمی و ناامنی شدیدی را در مردم ایجاد می‌کنند. برای نمونه، موضوع «مرور زمان» که ماده ۷۳۱ قانون مدنی کشور آنرا تأیید کرده است، مدتی است که توسط فقهای محترم شورای نگهبان مغایر با شرع مقدس اسلام تشخیص داده شده است، در نتیجه، اخیراً در بعضی از نقاط کشور، انواع وقفنامه‌های مشکوک و معجول ظاهر شده است و افرادی، مدعی مالکیت املاک و باغهای

مردم شده‌اند.

یکی از این وقفنامه‌ها که اکنون به طور جدی‌تری مطرح شده است، مدعی است که میلیونها متر مربع زمین، از «صفاییه» یزد گرفته تا بندرعباس و صدها شهر و روستای میان این دو شهر، در سیصد و چند سال پیش توسط شخصی به نام «سالارالدین جعفر» - که تاریخ، وجود چنین مالک عمده‌ای را ثبت نکرده است - در ۱۸۰ سالگی به نفع بازماندگان اناث خود وقف کرده است.

به فرض صحت این وقفنامه، اگر شرع مقدس شمولیت «مرور زمان» را به رسمیت نشناسد و احادیث معتبر جعفری را نادیده انگارد، باید پاسخگوی حقوق همه افرادی باشد که پس از ترک این زمینها، بر اثر حمله افغانها و ناامنیهای بعدی و سالها بلااستفاده و بلامعارض بودن، در نسلهای بعد آباد شده‌اند.

شورای تشخیص مصلحت می‌تواند شمولیت «مرور زمان» را - که سالهاست مورد تأیید قانون مدنی ایران بوده است و در همه کشورها به نحوی به کار برده می‌شود - به نفع نظم و صلاح کشور تشخیص دهد، زیرا، در غیر اینصورت، حقوق و حاصل زحمات صدها هزار نفر از مردم یکباره از میان خواهد رفت و لطمه‌های جبران‌ناپذیری بر کشاورزی، اقتصاد و امنیت کلی این ناحیه از کشورمان وارد خواهد آمد و بر تعداد معارضین جدید با وقفنامه‌ها و قباله‌های مشکوک، افزوده خواهد شد.

گزارش ویژه

است. دولت، میلیونها هکتار زمین، باغ، ملک، مستغلات، مرتع، جنگل در تملک خود دارد و کلیه منابع زیرزمینی - مانند، نفت، گاز، سنگ آهن، مس و طلا - متعلق به دولت است.

دولت، سالانه دریافت کننده درآمدهای نفتی ۱۲ تا ۱۷ میلیاردی است و هواپیما، کشتی های باری، نفتکش ها، قطار و هزاران کارخانه، سازمان، بنیاد، بنگاه، شرکت و مؤسسه را در مالکیت و تصدی خود دارد، که زیان عملیاتی بسیاری از آنها را، یا از راه بیت المال و یا از راه اخذ مالیات و ایجاد تورم، به مردم تحمیل می کند.

مهمتر از همه، دولت دستگاه چاپ اسکناس و یک شبکه بانکی - که پس اندازهای مردم را جمع آوری می کند - در اختیار و کنترل خود قرار داده است. به همین مناسبت، دولت در ایران تنها منبع اصلی هرگونه سرمایه گذاری است و سالانه افزون بر ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را تولید می کند. از طرف دیگر، دولت در ایران بزرگترین تاجر و متصدی و کارفرماست و هر ماه چندین میلیون نفر را حقوق می دهد. نان، آب، برق، مدرسه و بهداشت مردم را تأمین می کند و تقریباً فعالیتی وجود ندارد که زیر نظر و کنترل و سلطه دولت نباشد.

دولت همچنین اهرمهای عظیم اقتصادی - مانند حق صدور مجوزهای خاص، که معلوم نیست از کجا به آن دست یافته است - را در اختیار خود دارد و به عنوان

بخش دولتی و امنیت اقتصادی

در علم اقتصاد، مبحثی مبنی بر ترکیب مستعارف بخشهای خصوصی، دولتی و نامگذاری آنها وجود دارد و گفته شده است اگر در کشوری تا ۷۰ درصد کالا و خدمات به وسیله بخش خصوصی و ۳۰ درصد دیگر به وسیله بخش دولتی تولید، عرضه و یا مصرف شود، در آن کشور نظام سرمایه داری مبتنی بر فعالیت آزاد مردم حاکم است. ولی اگر این ترکیب به نفع دولت تغییر کند، طوری که بخشهای دولتی و خصوصی هرکدام سهم برابری در تولید ملی داشته باشند، در آن کشور نظام سوسیالیستی حاکم است.

حال اگر این ترکیب باز هم به نفع بخش عمومی تغییر کند، طوری که مثلاً بخش عمومی تا ۷۰ درصد تولید ناخالص ملی را ایجاد کند، در آن کشور نظامی مبتنی بر تمرکز مالکیت، تولید و مدیریت دولتی حاکم خواهد بود.

در این تقسیم بندی غیر علمی - و به گواه تاریخ - کشورهایی از رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده اند و هستند، که در آنها مالکیت و تصدی دولت و دخالتهای غیرموجه آن در امور مردم، به حداقل تقلیل یافته و کسب و کار، تولید و تجارت به بخش خصوصی سپرده شده است.

وضعیت مالکیت در ایران از نوع سوم است. زیرا، هم اکنون دولت در کشور ما بزرگترین مالک و سرمایه دار ریالی و ارزی

پیش برود و مالکیت و ترکیب آن از شیوه خصوصی سازی به نفع مالکیت خصوصی تغییر نکند، پیامدهای نامطلوبی را دیر یا زود بر صحنه اقتصاد ملی برجای می گذارد. به جرات می توان گفت که کوچک کردن دولت بدون کسر ابعاد نظارتی آن، اصلی ترین راه دستیابی به امنیت اقتصادی دانسته می شود.

□□□

گوناگون، به نفع نهادها و بنیادهای مورد توجه خود - و به ضرر بخش خصوصی - از این اهرمها بهره برداری می کند. همه این خصوصیتها، بر دولتی بودن شدید و گسترده اقتصاد ایران - با تمام عیب و نقصهایی که بر مدیریت دولتی مترتب است - دلالت دارد.

رابطه دولت و بخش خصوصی

در مقابل غول عظیم دولت، در ایران بخش خصوصی وجود دارد؛ با جمعیت رو به تزاید، سرمایه و املاک خرد، که سالانه خسردتر، کوچکتر و غیراقتصادی تر هم می شود. این بخش که پس از پیروزی انقلاب اسلامی تحت جبر زمان و آغاز موج دولتی سازی و تصدی دولت در تولید و تجارت، به شدت مورد بی مهری دولت و گاهی عناد بعضی از دولتمردان قرار گرفته است. پس از گذشت پانزده سال از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز در مورد نقش یا ضرورت توسعه این بخش و کمک به ارتقای قشر کارآفرین تردید وجود دارد و چه بسا در مظان اتهام هم هست!

در نظامهای اشتراکی، نه مجربان دولتی انگیزه ای برای کار و کوشش بیشتر دارند، و نه مردم. کارکنان دولت تظاهر به کار می کنند، ولی نهایتاً چیز چندانی تولید نمی شود. دولت نیز تظاهر به پرداخت حقوق و دستمزد می کند، ولی عملاً چیز قابل توجهی عاید کسی نمی شود. شاید بتوان گفت که چنانچه وضعیت کنونی یعنی توسعه فراگیر مالکیت و تصدی دولتی بر همین منوال